

بررسی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی با تأکید بر جایگاه شهرستان جاجرم

دکتر کرامت الله زیاری، علی اصغر شاکری مطلق، معصوم دوستی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری
Email: Masoum_dosti@yahoo.com
مریم بیرانوندزاده، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

چکیده

شناخت و بررسی امکانات و توانایی‌ها و در پی آن تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی، از چالش‌های جدی پیش روی برنامه‌ریزی شهری و نخستین گام در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه چنین نواحی به شمار می‌رود. و با توجه به این که یکی از محورهای اطلاعاتی لازم جهت برنامه ریزی صحیح ملی و منطقه‌ای، آگاهی از توانمندی‌های تولیدی بخش‌های اقتصادی در مناطق مختلف می‌باشد، لذا تعیین موقعیت و جایگاه مناطق مختلف در تقسیم کار و اقتصاد ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است این پژوهش با علم به این موضوع و در راستای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در استان خراسان شمالی و تعیین جایگاه شهرستان جاجرم نسبت به سایر شهرستان‌های استان با رویکرد پژوهشی توصیفی - تحلیلی، تدوین گردیده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که، در سطح استان خراسان شمالی، شهرستان جاجرم به عنوان شهرستان توسعه یافته، شهرستان‌های شیروان، اسفراین و جاجرم در حال توسعه و شهرستان‌های فاروج، مانه و سملقان، به عنوان شهرستان‌های توسعه نیافته استان شناخته شده‌اند. شهرستان جاجرم در بین شهرستان‌های استان، براساس مدل موریس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی، در رتبه چهارم و از نظر کیفیت سطح توسعه، در طبقه در حال توسعه استان جای دارد. از این رو مطابق یافته‌های پژوهش، الگوی حاکم بر ساختار فضایی استان خراسان شمالی، تابع الگوی مرکز - پیرامونی است.

واژگان کلیدی: توسعه، مدل موریس، مدل امتیاز استاندارد، مدل تاکسونومی، خراسان شمالی، جاجرم.

۱. مقدمه

رشد و توسعه به عنوان یک مقوله اقتصادی - اجتماعی ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه‌شناسان و پژوهشگران برخی از علوم چون جغرافیا مورد توجه و اساس برنامه‌ریزی قرار گرفت [۳۹:۱۳]. از جمله، دشواری‌های همیشگی در بررسی ادبیات توسعه، مشخص کردن مفهوم توسعه و رشد است [۵۳:۱۳]. به طوری که تعریفی جهان شمول از آن ارائه نشده و معانی متفاوتی برای آن ذکر کرده‌اند [۱۸:۱۱]. هدر، توسعه را فرآیندی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند که منتج از استانداردهای زندگی بوده و باعث بهبود سطح زندگی بخشهای در حال افزایش جمعیت شود [۳:۱۹]. پروگفیل، توسعه را پیشرفت به سوی اهدافی نظیر کاهش فقر، بیکاری و برابری می‌داند [۱۰:۲۱]. برخلاف آنچه که زمانی در کشورهای توسعه یافته کنونی اتفاق افتاد، کشورهای عقب مانده امروز، ایجاد برابری را جزء جدایی ناپذیر و عملی هدفها و سیاست‌های خود می‌دانند و بسیاری از کشورهای عقب مانده، باز هم برخلاف آنچه بر کشورهای توسعه یافته کنونی گذشت از طریق برنامه‌ریزی‌های ملی، توسعه جهشی و یا مستقیم را انتخاب کرده‌اند. در کشورهای جهان سوم با توجه به ضرورت توسعه یکپارچه، تحلیل وابستگی سکونت‌گاه‌های انسانی در سطوح ناحیه‌ای، در هر برنامه‌ریزی، اساس کار محسوب می‌شود؛ زیرا در این کشورها، هدف نهایی از تحلیل سامانه‌های ناحیه‌ای، توزیع مطلوب جمعیت در سطوح ناحیه و توزیع روند توسعه اجتماعی - اقتصادی در سطوح ناحیه‌ای است؛ به عبارت دیگر، تحلیل سامانه‌های ناحیه‌ای، باید کارایی و بازدهی فعالیت‌های اقتصادی را در همه زوایای ناحیه به همراه عدالت اجتماعی در توزیع امکانات آن افزایش دهد؛ یعنی در نهایت به صورت محرک فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی

عمل کند. بدین سان در کشورهای جهان سوم، حوزه‌های روستایی و شهرهای کوچک ناحیه با شرایط عقب مانده، باید در مسیر توسعه منطقی قرار بگیرند و از خدمات بازاریابی، تأمین امکانات صنایع روستایی، دریافت خدمات مورد نیاز و سالم رساندن مواد تولیدی به بازارها و کارخانه‌ها بهره‌مند شوند. پس اگر، هدف برنامه‌های توسعه مطلوبیت بخشیدن به شرایط اجتماعی - اقتصادی شهر و روستا باشد، لازم است تحقیقات بیشتری درباره تحلیل سامانه سکونت‌گاهی صورت بگیرد و چارچوب هر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای با سامانه‌های ناحیه‌ای مشخص شود؛ زیرا تنها در این صورت می‌توان از منابع موجود و نیروی انسانی در توسعه اجتماعی و اقتصادی ناحیه بهره گرفت [۱۶: ۶-۳۹۵]. شناخت کلیه عوامل مؤثر بر محرومیت و بررسی و ارزیابی نقش کاربردی هر یک از آنها، صحیح‌ترین روش برای بیان محرومیت در هر مکان می‌باشد. شناخت علمی و همه‌جانبه امکانات و قابلیت‌ها، نارسائی‌ها و ناهماهنگی‌های استان "خراسان شمالی" به منظور ایجاد تعادل منطقه‌ای در سطح استان و تسریع رشد و توسعه نواحی آن یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند در تدوین و اجرای توسعه اقتصادی - اجتماعی استان مفید و مؤثر واقع شود. بنابراین موضوع سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی و همچنین تعیین جایگاه شهرستان جاجرم در بین سایر شهرستان‌های استان می‌تواند نقش مؤثری در افزایش شناخت برنامه‌ریزان و مسئولین امر توسعه و پیشرفت استان خراسان شمالی به ویژه شهرستان جاجرم داشته باشد. به تبع چنین شناختی در تخصیص اعتبارات و منابع اولویت بیشتری به نواحی محروم استان اخصاص می‌یابد.

۲. مبانی نظری

۱-۲. نظریه قطب رشد

هیرشمن و میردال، جزء اولین کسانی بودند که مفاهیم فضایی توسعه را شناختند و از این طریق برای ایجاد پیوند میان مدل‌های رشد اقتصادی و نظریه رشد منطقه‌ای، اقدام کردند [۱۳: ۱] که پرو، آن را قطب رشد می‌نامد [۱۷: ۴۱]. میردال، تئوری خود را بر پایه نابرابری‌های منطقه‌ای و تأثیر عوامل خارجی بر آن بنا می‌نهد [۱۴]. نظریه قطب رشد، بر این استدلال است که می‌توان توسعه را از طریق دستیابی به صرفه‌های تجمع (کاهش هزینه‌های ناشی از عواملی که نسبت به بنگاه، خارجی، ولی نسبت به فضای قطبی داخلی اند) افزایش داد. بر این اساس، تجمع زیر ساخت‌ها و فعالیت‌های مولد در یک منطقه به گسترش آنها در عرصه‌ی وسیع ارجحیت دارد [۲۰: ۴].

۲-۳. تئوری نئوکلاسیک و توسعه و سیاست ناحیه‌ای

از دیدگاه نظریه پردازان این تئوری، اختلاف رشد و توسعه بین نواحی یک پدیده کوتاه مدت است و کلیه نواحی می‌توانند در یک بازار آزاد و کنترل نشده و با دخالت محدود دولت‌ها با یکدیگر رقابت نمایند [۱۱: ۱۲]. بر اساس این نظریه رشد و توسعه ناحیه‌ای که تحت تأثیر دو عامل مکانیسم تعادل و جابه جایی صورت می‌گیرد، باعث جریان آزاد منابع بین نواحی در یک کشور در بلند مدت و ایجاد نوعی تعادل بین نواحی می‌گردد.

۲-۴. نظریه توسعه بر پایه صادرات

این نظریه کمبود منابع و سرمایه را عامل عمده عدم پیشرفت مناطق عقب مانده می‌داند و بر رشد بزرگ‌ترین شهرها و به خصوص در مناطق توسعه نیافته تأکید دارد، بنابراین، بهره‌وری اقتصادی از طریق تراکم سرمایه و ایجاد مقیاس انجام می‌گیرد. این نظریه، بر پایه صادرات کمتر، و به طور مستقیم به مسأله ارائه خدمات به مناطق و نواحی پرداخته است [۸۵: ۸۳-۸۴].

۲-۵. نظریه همگرایی رشد منطقه‌ای

یک سؤال مهم برای برنامه ریزی منطقه‌ای این است که آیا رشد منطقه‌ای موجب همگرایی مناطق می‌شود و یا شکاف بین آنها را افزایش می‌دهد؟ بعضی نظریات رشد منطقه‌ای پیشنهاد می‌کنند که عدم تعادل‌های منطقه‌ای ممکن است به طور خود به خود از میان برود، بنابراین نیازی به مداخله مستقیم نیست. «نظریه بخشی» پیشنهاد می‌کند که زمینه تخصیص مجدد منابع در مناطق فقیر به مراتب بیشتر از مناطق توسعه یافته است. در نتیجه، این مسأله موجب همگرایی مناطق خواهد شد. یکی از نظریه‌هایی که به طور صریح «همگرایی» رشد مناطق را رد می‌کند و معتقد به افزایش شکاف میان مناطق است؛ نظریه «مرکز - پیرامون»، «هیرشمن»، «فریدمن» و «میردال» است [۷: ۱۴۰].

۲-۶. نظریه مرکز - پیرامون

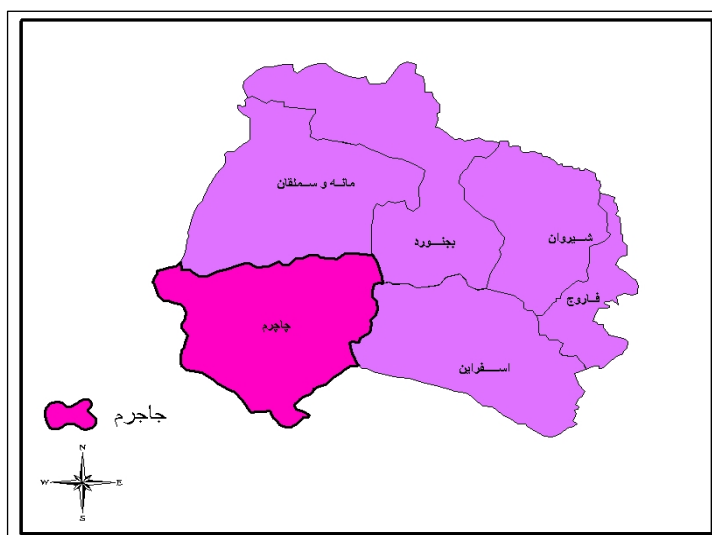
تعیین نظریه مرکز- پیرامون بر اساس تحقیقات فریدمن، در آمریکای جنوبی صورت گرفت. این مدل، نظام فضایی کشور را به دو زیر نظام یعنی یکی مرکز و دیگری پیرامون تقسیم نمود. او رابطه بین این دو زیر نظام را رابطه‌ای استعماری دانست که قطبی شدن را در مرکز و حاشیه‌ای شدن را در پیرامونیه دنبال دارد [۲: ۴۶-۴۵]. آنچه در این الگو بیش از هر چیز دیگر، توجه را به خود جلب می‌کند. نقش مهمی است که به شهر اختصاص داده شده است. شهر نقش وحدت بخش را ایفا می‌کند [۸: ۳۵]

۲-۷. تئوری نئوکیزی یا پایه اقتصادی

بر اساس این نظریه، رشد و توسعه ناحیه به صادرات وابسته است. صادرات به عنوان تنها متغیری که مقدار آن نسبت به دیگر متغیرها تعیین کننده رشد و توسعه ناحیه بوده و تنها محرکه رشد اقتصاد ناحیه‌ای به رسمیت شناخته شده است [۹: ۱۰۵]. پتر هال، نیز معتقد است که مهم‌ترین هدف سیاست اقتصاد ناحیه‌ای جهت کاهش نابرابری‌های آن ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجرت فرستی در ناحیه کمک می‌کند و رشد و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت [۲۰: ۹۲].

۳. شناخت محدوده مورد مطالعه

استان خراسان، شمالی با وسعتی بیش از ۲۸۱۶۶ هزار کیلومتر مربع بین مدار جغرافیایی سی و شش درجه و سی و هفت دقیقه تا سی و هشت درجه و هفده دقیقه عرض شمالی از خط استوا و پنجاه و پنج درجه و پنجاه و سه دقیقه تا پنجاه و هشت درجه و بیست دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت این استان ۸۱۱۵۷۲ نفر برآورد شده است. در سال ۱۳۸۳ استان خراسان به سه استان تقسیم شد که استان خراسان شمالی به مرکزیت بجنورد با شش شهرستان شکل گرفت، که در سال ۱۳۸۷ شهرستان گرمه- جاجرم مستقل اعلام شد بدین ترتیب این استان در سال ۱۳۸۷ دارای هفت شهرستان شد. شهرستان جاجرم به مرکزیت شهر جاجرم یکی از شهرستانهای تابع استان خراسان شمالی است که بین سی و شش درجه و چهل و دو دقیقه تا سی و هفت درجه تا بیست و پنج دقیقه عرض شمالی و پنجاه و پنج درجه و پنجاه و سه دقیقه تا پنجاه و هفت درجه و ۰۸ دقیقه طول شرقی واقع است. شهرستان جاجرم، در جنوب غرب استان خراسان شمالی قرار گرفته است و از شمال، به شهرستان مانه و سملقان از شمال غرب به استان گلستان از جنوب غرب و جنوب به استان سمنان، از جنوب شرق به استان خراسان رضوی، از شرق به شهرستان اسفراین و از شمال شرق به شهرستان بجنورد محدود می‌شود و با توجه به میزان بارندگی‌های سالانه، جزو مناطق خشک قلمداد می‌شود و اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی دارد (احمدی، ۷۵: ۱۳۷۵).



نقشه شماره (۱): موقعیت شهرستان جاجرم در استان خراسان شمالی

۴. روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی، توصیفی-تحلیلی است. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش، استان خراسان شمالی و جامعه آماری آن، شهرستان‌های این استان می‌باشد. بر این مبنا ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی مبانی نظری مرتبط با موضوع پرداخته شده است، سپس به بررسی و تعیین درجه توسعه یافتگی و رتبه شهرستان‌های استان در بخش‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی-درمانی، زیربنایی، آموزشی و مسکن بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال پرداخته شده است که در این مقاله، از روش تاکسونومی، استفاده شده است و در نهایت با بهره‌گیری از مدل تاکسونومی عددی، سطح توسعه و رتبه شهرستان‌ها در هفتاد و نه شاخص ترکیبی تعیین و مورد تحلیل قرار گرفته است. شاخص‌های مورد استفاده جهت سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۱: شاخص‌های مورد مطالعه در سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی

شاخص	
شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی	تعداد خانه بهداشت به ازای هر ده هزار نفر جمعیت (سرانه)
معکوس نرخ رشد سالانه جمعیت	تعداد دندانپزشک به ازای هر ده هزار نفر (سرانه)
معکوس بعد خانوار	تعداد پیراپزشکان به ازای هر ده هزار نفر جمعیت (سرانه)
معکوس میزان موالید	تعداد تخت بیمارستان به ازای هر ده هزار نفر جمعیت (سرانه)
معکوس میزان مرگ و میر	تعداد داروساز به ازای هر ده هزار نفر جمعیت (سرانه)
شاخص‌های زیربنایی	
درصد خانوارهای دو نفره به کل خانوار	متوسط مصرف برق صنعتی به کل مصرف
معکوس درصد خانوارهای پنج نفر و بیشتر به کل خانوار	نسبت کل راه‌ها به مساحت شهرستان
تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع	نسبت راه‌های شهرستان به مساحت استان
میزان شهرنشینی	نسبت راه‌های آسفالت به مساحت شهرستان
نسبت باسادی	نسبت کل راه‌ها به ازای هر صد هزار نفر
درصد مردان باسواد	نسبت راه‌های آسفالت به کل راه‌های روستایی
درصد زنان باسواد	راه‌های آسفالت به ازای هر صد هزار نفر
تفاوت درصد مردان باسواد با زنان باسواد	درصد خانوارهای دارای گاز
درصد خانوارهای بدون عضو بی‌سواد	درصد خانوارهای دارای برق
نسبت افراد دارای تحصیلات عالیه به کل باسوادان	درصد خانوارهای دارای آب لوله کشی
درصد باسوادان بخش کشاورزی به کل باسوادان شهرستان	درصد خانوارهای دارای دستگاه حرارت مرکزی
تعداد مساجد و حسینیه به ازای هر ده هزار نفر	درصد خانوارهای دارای دستگاه حرارت و برودت مرکزی
نسبت تماشاگر سینما و تئاتر به کل جمعیت	درصد خانوارهای دارای حمام
سرانه سینما در هر شهرستان	

نسبت تعداد کتابخانه به جمعیت باسواد	درصد خانوارهای دارای آشپزخانه
تعداد کتابخانه به ازای هر ده هزار نفر (سرانه کتاب مسجد در کتابخانه)	درصد خانوارهای دارای تلفن
شاخص های اقتصادی	شاخص های مسکن
درصد خانوارهای مالک ساختمان و زمین محل سکونت	درصد واحدهای مسکونی بادوام
درصد خانوارهای مالک زمین محل سکونت	درصد واحدهای مسکونی نیمه بادوام
معکوس درصد خانوارهای مستأجر	معکوس درصد واحدهای مسکونی بی دوام
درصد شاغلین ده ساله و بیشتر در بخش کشاورزی	معکوس درصد واحدهای مسکونی با زیربنای پنجاه متر و کمتر
درصد شاغلین ده ساله و بیشتر در بخش صنعت	درصد واحدهای مسکونی با بیش از دویست متر زیربنا
نرخ اشتغال	نسبت پروانه های ساختمانی دوطبقه و بیشتر به کل پروانه های صادره
معکوس نرخ بیکاری	معکوس درصد مساکن یک اتاقه به کل واحدهای مسکونی
ضریب فعالیت	نسبت مساکن شش اتاقه و بیشتر به کل واحدهای مسکونی
معکوس بار تکفل	نسبت واحدهای مسکونی یک خانواری به کل واحدهای مسکونی
تعداد تراکتور به ازای هر صد هکتار کشت (سرانه تراکتور به ازای سطوح زیر کشت)	نسبت واحدهای مسکونی ۴ خانواری و بیشتر به کل واحدهای مسکونی
متوسط تولید (عملکرد) کندو	شاخص های آموزشی
تعداد دروگر به ازای هر هزار هکتار سطح زیر کشت	نسبت دانش آموزان دختر به پسر در سطح شهرستان
درصد شاغلین بخش صنعت از کل شاغلین	نسبت دانش آموزان به جمعیت بالای ده سال
درصد شاغلین زن	نسبت معلم به دانش آموزان ابتدایی
درصد شاغلین مرد	نسبت معلم به دانش آموزان راهنمایی
معکوس تفاوت درصد شاغلین مرد و زن	نسبت معلم به دانش آموزان متوسطه
شاخص های بهداشتی - درمانی	نسبت کلاس ابتدایی به دانش آموزان ابتدایی
تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر (سرانه پزشک)	نسبت کلاس راهنمایی به دانش آموزان راهنمایی
تعداد بهورز به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت (سرانه بهورز)	نسبت کلاس دبیرستانی به دانش آموزان دبیرستان
تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت (سرانه داروخانه)	تعداد دانشجویان به کل جمعیت
تعداد آزمایشگاه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت (سرانه آزمایشگاه)	

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خراسان شمالی ۱۳۸۵

۵. مدل های مورد استفاده در تحقیق

۵-۱. روش ناموزونی موریس^۱

روش موریس با استفاده از داده های توصیفی هر واحد سکونت گاهی، در مقایسه با واحدهای دیگر و با بهره برداری از دو پارامتر زیر سطح توسعه یافتگی را مشخص می کند:

الف) شاخص ناموزونی موریس که از طریق فرمول زیر محاسبه می شود [۵: ۱۵۳]:

$$Y_{ij} = \frac{x_{ij} - x_{ij \min}}{x_{ij \max} - x_{ij \min}} \times 100$$

Y_{ij} = شاخص ناموزون برای متغیر i ام در واحد j ام

X_{ij} = متغیر i ام در واحد j ام

$X_{ij \min}$ = حداقل مقدار متغیر i ام

$X_{ij \max}$ = حداکثر مقدار متغیر i ام

نکته‌ی مهم در این روش، این است که شاخص‌های به کار گرفته شده، باید هم سو یا هم جهت باشند. جهت بررسی موضوع، تمام شاخص‌های مورد نظر در قالب فرمول یاد شده به کار گرفته می‌شود [۱۶۹:۱۳].

ب) شاخص اصلی توسعه که از طریق فرمول $D.I. = \frac{\sum_{i=1}^n y_{ij}}{n}$ محاسبه می‌شود و در آن n تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و $D.I.$ شاخص اصلی توسعه است. ضریب شاخص توسعه مورس بین صفر تا صد نوسان دارد که هر چه به صد نزدیکتر باشد، سطح توسعه یافتگی بیشتر است [۱۵۴:۵].

۵-۲. روش امتیاز استاندارد شده^۱

از این روش برای مقایسه شاخص‌ها و به دست آوردن یک شاخص واحد از نتایج تلفیقی شاخص‌ها استفاده می‌شود. امتیاز استاندارد شده از رابطه زیر به دست می‌آید [۱۶۳:۱۸]:
رابطه ۱:

$$SS_{ij} = \frac{X_{ij} - \bar{X}_i}{\sigma_i}$$

در این رابطه؛

SS_{ij} برابر با امتیاز استاندارد شده شاخص i در حوزه یا محله j ؛

X_{ij} برابر با مقدار شاخص i در حوزه یا محله j ؛

\bar{X}_i برابر با میانگین شاخص i ؛

و σ_i برابر با انحراف معیار شاخص i است.

در مرحله بعد، امتیاز استاندارد شده هر یک از شاخص‌های مورد بررسی در هر حوزه یا محله، با هم جمع و نتیجه به تعداد کل شاخص‌ها تقسیم می‌شود. امتیاز به دست آمده، معدل امتیاز استاندارد شده یا شاخص توسعه حوزه‌ها یا محله‌ها است که به صورت یک شاخص واحد، امکان مقایسه از نظر وضعیت توسعه را میسر می‌سازد:
رابطه ۲:

$$SS_j = \frac{1}{n} \sum SS_{ij}$$

در این رابطه؛

SS_j برابر با شاخص توسعه برای حوزه یا محله j ؛

و n برابر با تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده است.

۵-۳. مدل تاکسونومی عددی^۲

تاکسونومی در لغت به معنای طبقه بندی است. تاکسونومی نامی کلی است و به تمام روش‌هایی اطلاق می‌شود که موارد مشابه را از موارد غیر مشابه جدا ساخته و به صورت گروه‌های جداگانه طبقه‌بندی می‌کنند. نوع خاصی از این روش‌ها تجزیه و تحلیل تاکسونومی عددی است. روش تاکسونومی عددی، یکی از روش‌های سنجش درجه‌ی توسعه یافتگی مناطق است. این روش، برای اولین بار توسط «آندرسون» در سال ۱۷۶۳م. پیشنهاد شد و در سال ۱۹۶۸م. به عنوان وسیله ای برای طبقه بندی و درجه توسعه یافتگی بین ملل توسط پورفسور هلوینگ دو از مدرسه عالی اقتصاد در یونسکو مطرح شد [۱۳۷:۶]. این روش برای تعیین واحدها یا انواع موضوعات همگن در یک فضای برداری سه بعدی و بدون استفاده از رگرسیون، واریانس و آنالیز همبستگی قادر خواهد بود یک مجموعه را به یک زیر مجموعه ی کم و بیش همگن تقسیم کند. بدین لحاظ این روش می‌تواند به عنوان معیار مناسبی برای شناخت ابعاد رشد اجتماعی و اقتصادی محدوده مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۸۹:۳].

۲- Standardized Score

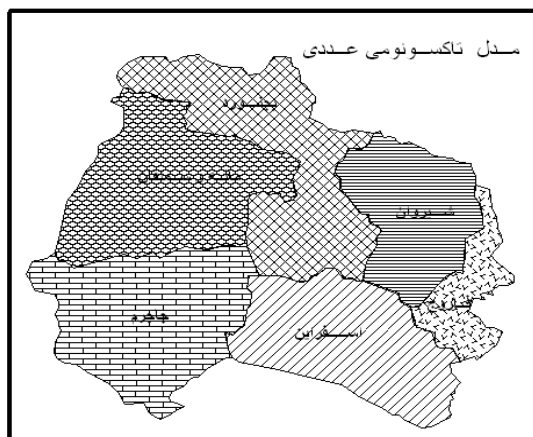
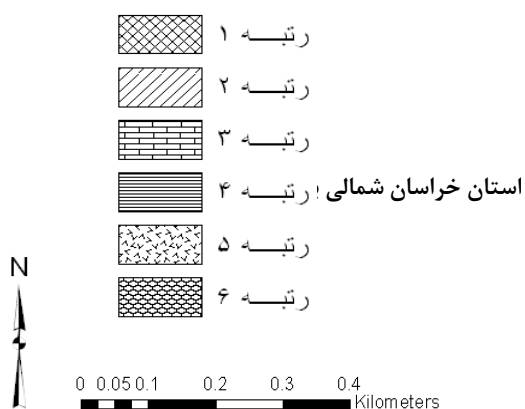
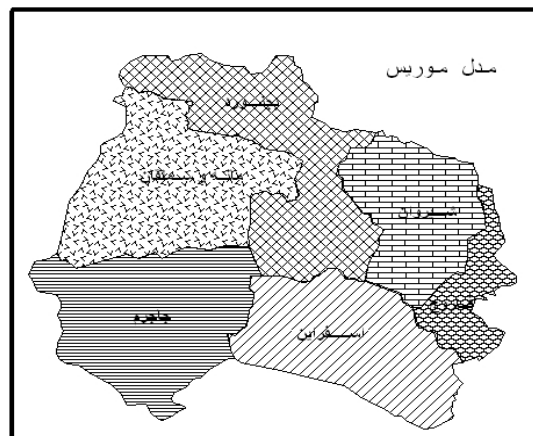
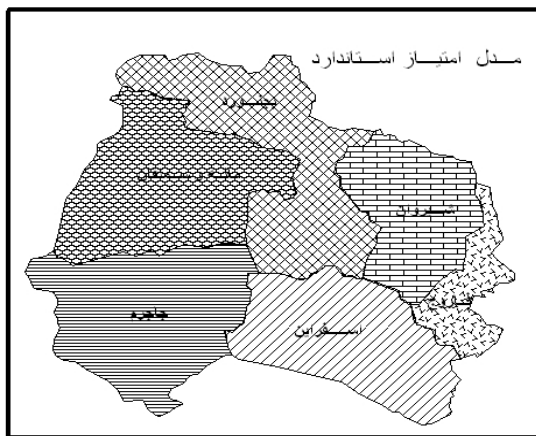
۱- Numerical Taxonomy Model

۶. یافته‌های تحقیق

امروزه، اقتصاددانان طرفدار رشد متوازن در مناطق خشک یک کشور معتقدند که تئوری قطب رشد پویا نه تنها توانسته است نابرابری منطقه را در کشورهای توسعه نیافته از بین ببرد بلکه باعث تشدید آن شده است، لذا آنها ضرورت برنامه‌ریزی منطقه ای صحیح را برای رسیدن بعد توسعه متوازن توصیه می‌کنند. آن‌ها معتقدند که هدف از یک توسعه متعادل باید ایجاد بهترین شرایط و امکانات برای توسعه جامعه در همه نواحی می‌باشد و تفاوت‌های زندگی بین ناحیه‌ای را به حداقل می‌رساند و نهایتاً از بین ببرد. بنابراین شناخت و بررسی امکانات و توانایی‌ها و در پی آن تعیین توسعه یافتگی از چالش‌های جدی پیش روی توسعه چنین نواحی به شمار می‌رود.

جدول شماره ۷: ضریب و رتبه‌ی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی بر اساس روش‌های مورد مطالعه

روش تاکسونومی عددی			روش امتیاز استاندارد			روش موریس			شماره
رتبه	نوع توسعه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	نوع توسعه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	نوع توسعه	ضریب توسعه یافتگی	
۲	در حال توسعه	۰/۸۵۱	۲	در حال توسعه	۰/۰۵۳	۲	در حال توسعه	۴۸/۳	اسفراین
۱	توسعه یافته	۰/۶۷۱	۱	توسعه یافته	۰/۴۳۶	۱	توسعه یافته	۶۳/۵	بجنورد
۴	توسعه نیافته	۰/۹۲۵	۳	در حال توسعه	۰/۰۴۷	۳	در حال توسعه	۴۷/۹	جاجرم
۳	در حال توسعه	۰/۸۵۳	۴	در حال توسعه	۰/۰۱۵	۴	در حال توسعه	۴۶/۸	شیروان
۶	توسعه نیافته	۰/۹۹۸	۶	توسعه نیافته	-۰/۳۳۱	۵	توسعه نیافته	۳۷/۸	فاروج
۵	توسعه نیافته	۰/۹۸۳	۵	توسعه نیافته	-۰/۲۲	۶	توسعه نیافته	۳۷/۹	مانه و سملقان



با استفاده از داده‌های جمع آوری شده در قالب شش بخش (هفتاد و نه متغیر) و بر اساس روش موریس، امتیاز استاندارد شده و تاکسونومی عددی ضریب توسعه یافتگی هر یک از شهرستان‌های استان خراسان شمالی محاسبه شده است. با توجه به جدول شماره (۷) جایگاه و رتبه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی در هر یک از روشها قابل تشخیص است. شهرستان‌های بجنورد و اسفراین در هر سه روش، به ترتیب در رتبه‌های یک و دو قرار دارند اما دو شهرستان جاجرم و شیروان در روش موریس و امتیاز استاندارد به ترتیب در رتبه سه و چهار قرار گرفته اند اما در روش تاکسونومی رتبه این دو شهر بالعکس شده است به طوریکه جاجرم از رتبه سه به رتبه چهار تنزل پیدا کرده و شیروان از رتبه چهار به سه ارتقاء یافته است. شهرستان‌های مانه و سملقان و فاروج در دو روش، امتیاز استاندارد و تاکسونومی به ترتیب دارای رتبه پنج و شش هستند اما رتبه‌ها در روش موریس تغییر کرده است. با توجه به سه مدل موریس و امتیاز استاندارد و تاکسونومی شهرستان مشهد با بالاترین میزان برخورداری و شهرستان فاروج پایین ترین میزان برخورداری را در بین شهرستان‌های استان خراسان شمالی دارا می‌باشد. شهرستان جاجرم با ضریب توسعه یافتگی (۴۷/۹) در روش موریس و (۰/۴۷) در روش امتیاز استاندارد رتبه سوم را کسب نموده است اما همین شهرستان در روش تاکسونومی رتبه چهار را به دست آورده است. به طور کلی و بر اساس سه روش استفاده شده در تحقیق شهرستان بجنورد توسعه یافته، شهرستان‌های اسفراین، شیروان و جاجرم در حال توسعه و شهرستان‌های مانه و سملقان و فاروج توسعه نیافته اند. با توجه به اینکه شهرستان جاجرم ردیف شهرستان‌های در حال توسعه قرار گرفته است مدیران شهری می‌توانند با توجه به بیشتری امکانات و تسهیلات استانداری را در تمام زمینه‌ها برای افراد فراهم کنند. آنچه کاملاً مشهود به نظر می‌رسد رویکرد حاکم بر نظام و ساختار فضایی و روند برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای طی پنجاه سال تجربه برنامه و برنامه ریزی در کشور است. ایران از سال ۱۳۲۷ تا کنون عملاً هفت برنامه عمرانی میان مدت را به مرحله اجرا رسانده است. در تمام این برنامه‌ها، دیدگاه‌ها و تصمیم‌گیری‌های متمرکز حاکم بوده است و از الگوی توسعه "

مرکز- پیرامون " تبعیت شده است. درحقیقت حجم بیشتر سرمایه گذاری‌های زیربنایی و صنعتی را شهرستان بجنورد به عنوان مرکز استان از آن خود نموده است و مقداراندکی از آن نصیب شهرهای پیرامونی استان می‌گردد.

۷. نتیجه‌گیری

وجود تفاوت‌های بارز میان مناطق همواره محققین را بر آن داشته تا با استفاده از آمار و اطلاعات موجود و اتخاذ روشها و تکنیک‌های مناسب، به تحلیل این عدم تعادل فضایی پرداخته و روشنگر میزان نابرابری‌ها و همچنین درجه بندی مناطق از حیث برخورداری‌ها و نهایتاً شناخت علل تفاوت‌ها باشند. مطابق نظریه قطب رشد، به عنوان برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی ناحیه‌ای، بر یک قطب در ناحیه تأکید می‌شود و با سرمایه گذاری‌های بیشتر، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و نیروی کار ماهر و غیر ماهر در آن تمرکز می‌یابد. طبق این نظریه، زمانی که رشد اقتصادی در یک کانون به وجود آید، این رشد و توسعه در همه نقاط ناحیه گسترش می‌یابد و همه سطوح ناحیه‌ای از برنامه ریزی توسعه بهره مند می‌شوند؛ در حالی که در نواحی جغرافیایی کشورهای جهان سوم، موانع طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی آنچنان زیاد است که نمی‌گذارد تأثیرات برنامه ریزی توسعه در همه نقاط ناحیه گسترش یابد و چون تنها در قطب معین سرمایه گذاری می‌شود، همه مهاجران روستایی و غیر روستایی به این قطب جذب می‌گردند و مهاجران روستایی و غیر ماهر می‌توانند تنها در بخش غیر رسمی، محل اشتغال بیابند. توسعه بخش غیر رسمی در اثر فعالیت‌های اقتصاد غیر رسمی؛ در سامانه شهری نیز، تأثیر می‌گذارد، به طوری که شهر بزرگ ناحیه، در این سامانه از نظر دارا بودن جمعیت و امکانات با دیگر شهرهای سامانه شهری عدم توازن شدیدی دارد و این امر نیز به نحوی در روابط شهر و روستا اثر می‌گذارد. بدین سان، اجرای طرح‌های مربوط به قطب رشد در کشورهای جهان سوم به شهرگرایی کمک می‌کند و اختلاف میان شهر و روستا و مادر شهر و شهرهای میانی و کوچک را بیشتر می‌سازد. مصداق عینی این موضوع، در سطح استان خراسان شمالی وجود دارد. در رتبه بندی نهایی که براساس تلفیق شاخص‌های بخش‌های مختلف به صورت قالبی ترکیبی صورت گرفت، شهرستان بجنورد رتبه اول و شهرستان فاروج در رتبه آخر قرار دارد. با توجه به روش‌های مورد نظر شهرستان جاجرم به طور کلی در روش‌های امتیاز استاندارد و روش مورس در رتبه سوم و در روش تاکسونومی عددی در رتبه چهارم قرار دارد. این شهرستان، پتانسیل‌های بالقوه زیادی در سطوح مختلف داراست که مدیران و دولت می‌توانند با سرمایه گذاری‌های لازم، در جهت توسعه شهرستان تلاش کنند. شهرستان جاجرم پتانسیل و ظرفیت تبدیل به یک شهرستان توسعه یافته را در کل استان داراست.

منابع و مأخذ

۱. آر. پی، میسر؛ برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جستجوی معنی و مفهوم، عزیز کیاوند، برنامه و توسعه، شماره ۱۰، ۱۳۶۶.
۲. اجلالی، پرویز؛ تحلیل منطقه ای و سطح بندی سکونت‌گاه‌ها، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۳.
۳. بدری، سید علی؛ مکان‌یابی مراکز توسعه روستایی، نمونه موردی: بخش جعفرآباد گازران قم، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی گرایش مطالعات ناحیه ای به راهنمایی دکتر مهدی طالب، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۹.
۴. پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین؛ نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲.
۵. رضوانی، محمدرضا؛ «سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سند»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای. شماره ۳، ۱۳۸۳.
۶. زیاری، کرامت ا.؛ اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۷. زیاری، کرامت ا.؛ مکتب‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۸. صابری فر، رستم؛ توسعه روستایی با نگرشی بر نظریه‌های جغرافیایی - مکانی، ۱۳۸۲.
۹. صرافی، مظفر؛ مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه ای، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تهران، ۱۳۷۹.
۱۰. احمدی، رضا؛ جاجرم سرزمین خفته در تاریخ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۷۵.
۱۱. عظیمی، حسین؛ مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران نشر نی. تهران، ۱۳۷۰.

۱۲. عسگری، علی؛ برنامه‌ریزی منطقه‌ای، جزوه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۰.
۱۳. قدیری معصوم، مجتبی؛ توان سنجی نواحی جغرافیایی ایران برای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی (دشت مغان)، رساله دوره دکتری، گروه جغرافیای انسانی (گرایش جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)، به راهنمایی دکتر رحمت اله فرهودی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۴. قره باغیان، مرتضی؛ اقتصاد، رشد و توسعه، جلد اول، نشر نی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۵. کلانتری، خلیل؛ برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، چاپ اول، تهران، انتشارات خوشبین، ۱۳۸۰.
۱۶. شکوئی، حسین؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳.
۱۷. مهندسین مشاور DHV از هلند، رهنمودهایی در برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مترجمان سید جواد میر ناصر اوکتایی و محمد گنجیان، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران، ۱۳۷۱.
۱۸. موسی کاظمی محمدی، سید مهدی؛ ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری: شهر قم، پایان نامه دکتری به راهنمایی دکتر حسین شکوئی؛ دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.

19. Hadder,R; *Development Geography*, Routledge,london: NewYork, p3, 2000.
20. Hall, peter. *Urban Regional planning*, 3rd ed.,london and NewYork,1992.
21. Long , Norman Sociological Perspective on Agrarian Development and State Intervention in Development policies Sociological Perspective , edited by Anthony Hall and James Midgley, Manchester University Press. 1988 .